

که در روز حربه ملائکه نازل شد امر المؤمنین علی رضی الله عنه کفایت
 که در انسانی آنکه از جاهه بدر آب می کشیدیم ناکاه بادی قوی آمد که از آن
 بادی قوی تر نیده بودیم بعد از آن بادی دیگر آمد قوی که از آن قوی تر نیده
 نیده بودیم مگر بادی اول بعد از آن بادی دیگر آمد قوی که از آن قوی تر نیده
 بودیم مگر آن دو بادی اول جبرئیل علیه السلام با سزای فرشته بود
 بادی دوم میکائیل بود علیه السلام نیز با سزای فرشته بادی سیم عزرائیل
 علیه السلام وی نیز با سزای فرشته میکائیل بر دست راست رسول
 صلی الله علیه و سلم است و ابوبکر رضی الله عنه ایجا بود و اسیران
 دست چپ من ایجا بودم این عباس رضی الله عنه روایت کرده است
 که یکی از اصحاب پیش رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله
 من در بی کبی از منترکان می رفتم و او یک گاو گشته مرگفته ناکاه بر
 بالای خود او از تازیانه شنیدم و سخن آن گاو که تازیانه بر آب
 خود میریزد بگوشتش من رسید و آن منترک را که در بی وی منترسم
 افتاده دیدم رسول صلی الله علیه و سلم گفت ای این از مرد طایفه و مرد
 استانت آورده رضی الله عنه درین روز پیش رسول صلی الله علیه و سلم

سه سیر در آورده رسول صلی الله علیه و سلم ویرا گفت طغرت نیک
 همیشه قیر و زاده است راست بود که گفته است یا رسول الله
 دو کس بر این گشته اما سیم را مردی سفید خوب وی سر نیده
 من برداشتم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که این از مرد طایفه است
 و از بسیاری از اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم روایت است
 که گفته اند که ما قصد مردی از قریش می کردیم که پیش از آن که
 ما شمشیر زینم سر از تن وی جدا میشد **از محمد بن**
 که چون ابوسفیان بن الخطاب از بدر رنجیده بگردد بیا بولیب
 از وی حال پرسید گفت دشمنان مسلح گرفته بودند و بر هر جای
 که میخواستند میزدند و با وجود این مردان مردان دیدیم سفید
 بر اسپان ابلق نشسته و در میان زمین و آسمان ایستاده که
 هیچ وجه ما را طاقت مقاومت ایشان نبود این عباس رضی الله
 گفته است که مردی از بنی غفار حکایت کرد که من و این عجم
 بر تکی ریلک که بر بدر مشرف بود بر آنکه روزی منظر آنکه هر طایفه
 که خالیت شوند در غارت موافقت کنیم زیرا که هنوز با اسلام در

۳۰۰